



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۰۷

نویسنده پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

جنگ های بی پایان راه حلی برای طولانی ترین جنگ امریکا میکانیسم جدید برای صلح دوامدار جهانی نقش کرونا - ۱۹ قسمت ششم

پوهاند متقاعد و لکچرر خاص
پوهنتون کولمبیا، پوهنځی دکتوران طب و جراحان
نیویورک

فصل دوم

نیرو های ائتلاف بین المللی در افغانستان با چه روبرو اند

هشتم: چگونه جنگ در افغانستان آغاز شد ۲۰۰۱ - ۲۰۲۰ (۱۹ سال).

سر دچار شدن جدی ایالات متحده امریکا به عنوان نیروی مقتدر جنگ نیابتی متعاقب اشغال افغانستان بوسیله شوروی در بین سالهای ۱۹۸۰ - ۱۹۹۲م آغاز شد. مقدمات یا اولین رد پاهای "جنگ چهل ساله افغانستان" را می توان در کودتای خونین کمونیست ها به تاریخ ۲۸ اپریل سال ۱۹۷۸م ریشه یابی کرد. داوود عمو زاده اعلیحضرت ظاهر شاه سلطنت ۲۲۶ ساله مستحکم افغان را به تاریخ ۱۹ جولای سال ۱۹۷۳م سرنگون کرد. در سال ۱۹۷۵م بود که داوود درک کرد که وی در تله دام افسران نظامی چپ که بوسیله شوروی تمویل میشد قرار گرفته است. در سال ۱۹۷۶م حزب دیموکراتیک خلق افغانستان به یاری و پا در میانی حزب کمونیست هندوستان به گونه شکل گرفت که دو جناح رقیب کمونیست یعنی احزاب خلق (عمدتاً پشتون) و پرچم (عمدتاً اقلیت ها) را با هم متحد ساخت. این صدر هیئت شورای رئیسه اتحاد جماهیر شوروی بود که این جناح ها را به زور و قاطعانه وادار به اتحاد میان هم ساخت. در سال ۱۹۷۵م داوود کوشید تا از چنگال قرار گرفتن در قمر شوروی نجات یابد و به مصر، هندوستان، عربستان سعودی و ایران بخاطر جلب کمک های اقتصادی و نظامی به حکومت خود سفر نمود. به تاریخ ۲۸ جنوری سال ۱۹۷۷م لویه جرگه ملی را فرا خواند و قانون اساسی جدید را تصویب و سیستم تک حزبی (حزب ملی غورخنگ) که در رأس آن خودش قرار داشت ایجاد و خودش تطبیق سیاست های داخلی و خارجی کشور را در دست گرفت.

روسها در ماه مارچ سال ۱۹۷۷م تحت شرایط پر تنش و فشار داوود را به ماسکو بخاطر سفر رسمی دومی دعوت کردند که وی آنرا با کمال میل پذیرفت. برنامه زمان بندی شده این سفر رسمی از ۱۲ اپریل تا ۱۵ اپریل سال ۱۹۷۷م تعیین شده بود. وحید عبدالله معین وزارت امور خارجه بنابر درخواست داوود تقاضای یک ملاقات خصوصی را با بریژنیف در ختم ایام سفر ترتیب اثر داده بود. به تاریخ ۱۲ اپریل سال ۱۹۷۷م دور اول مذاکرات رسمی در اواخر بعد از ظهر، در کرملین انجام شد. معین سیاسی وزارت امور خارجه آقای عبدالصمد غوث در کتابش "سقوط افغانستان" حوادث آنروز را منحصیث شاهد عینی با جزئیات یکایک برمی شمارد: در این نشست در کرملین در یک طرف میز لئونیف بریژنیف، نیکلای پودگورنی و الکسی کاسیگین نشسته بودند و در جانب دیگر میز هیئت جانب افغانی تحت ریاست رئیس جمهور داوود قرار داشتند. بریژنیف صحبت اش را با مشکلات صحتی که داشت آغاز کرد، طی صحبت اش اکثراً بلامقدمه توقف میکرد، توگویی آنچه را که گفته فراموش کرده است، رنگ پردگی

د پانو شمیره: له 1 تر 7

رخسارش نشان می داد که وی مریض است و احتمالاً تحت تأثیر کدام دواى قوی قرار داشت. "یکی از همکاران که نزدیک من نشسته بود نجوا کنان در گوشم گفت که شک دارد که بریژنیف بتواند تا ملاقات بعدی زنده باشد. از قضا بریژنیف نه تنها قادر به حضور به مجلس بعدی شد بلکه به اندازه کافی دیگر هم زیست تا یکسال بعد از این ملاقات پروسه جذب افغانستان بوسیله اتحاد شوروی را ریاست نماید." بعد از تبادل چند کلمه استقبالیه بوسیله بریژنیف، نوبت سخنرانی به داوود رسید و مراتب امتنان خود را بخاطر کمک های اتحاد شوروی بخصوص در قسمت تمویل اولین پلان انکشافی هفت ساله تقدیم کردند. همچنان وی در باره بهبود روابط افغانستان با پاکستان، روابط حسنه و نزدیک اقتصادی با ایران و دول عربی صحبت کرد. همچنان داوود یاد آوری کرد که نهضت عدم انسلاک در اصول و قواعد خود بیشتر همونوا شده و قرار است سال آینده کنفرانس آن در کابل دائر شود. روس ها می فهمیدند که اشاره داوود به کشور های مانند کیوبا است که سعی داشتند تا کشور های نهضت های عدم انسلاک را ترغیب نمایند تا از سیاست های اتحاد شوروی حمایت نمایند. پودگورنی صحبت را آغاز کرد و بعد از سخنان استقبالیه بهبود روابط میان افغانستان و پاکستان را ممتنم شمرد. کاسگین هم به نوبت در باره افزایش قیمت گاز افغان در آینده نزدیک صحبت کرد. "بریژنیف مانند اینکه ناگهان از خلسه بدر آمده باشد رئیس جمهور را مخاطب قرار داده و گفت که نظر شان چیست که چرا شاه ایران اینقدر مقادیر زیاد اسلحه را ذخیره نموده است." رئیس جمهور داوود در ادامه پاسخ داد که به نظر وی، "ایران به دنبال پالیسی نظامی تهاجمی نیست لذا افغانستان مسلماً از ذخیره اسلحه های ایران احساس تهدید نمی کند." شام همانروز در ضیافت شامانه، پودگورنی در باره آرزومندی هایش صحبت کرد، از اینکه افغانستان در مجاورت روسیه قرار دارد، وی آرزمند است تا افغانستان بیشتر از این با منافع روس ها و دارای علایق و سلیقه های مشابه باشد. روز بعد نوبت کشور میزبان بود که سخنرانی کند. بریژنیف کمتر خسته به نظر می رسید اما همچنان با دشواری و تعریق شدید صحبت می کرد. وی امضای توافقات هلسنکی پیرامون امنیت و همکاری در اروپا را ستود. "وی اهمیت موقف افغانستان در نهضت عدم انسلاک را نسبت به اتحاد شوروی ستود و آنرا برای استحکام صلح در آسیا ضروری پنداشت و ابراز امیدواری نمود تا نهضت عدم انسلاک قربانی دسایس و توطئه های امپریالیست ها نه گردد. در این لحظه بریژنیف مستقیماً به داوود نگاه کرد و چیزی گفت که (ترجمانش) (گاوریلوف) را به ظاهر کاملاً ناراحت ساخت. اما پس از یک مکث کوتاه، گاوریلوف کلمات بریژنیف را با درنگ و تردید ترجمه کرد، و آنچه را ما شنیدیم هم خیلی گستاخانه و هم خلاف توقع بود؛ بریژنیف شکایت کنان گفت که یک تعداد متخصصین وابسته به کشور های عضو ناتو و همچنان سازمان ملل متحد و سایر پروژه های کمکی چندین جانبه که در افغانستان کار می کنند شمار شان بطور قابل توجهی افزایش یافته است. وی افزود که دولت در افغانستان در گذشته حد اقل متخصصین وابسته به کشور های ناتو را اجازه نمی داد تا محل استقرار شان در قسمت های شمالی این کشور باشد، ولی اکنون این رسم کاملاً عملی نمی شود." وی افزود که اتحاد شوروی در باره این انکشافات به شدت نگران است و از حکومت افغان می خواهد تا خود را از شر این متخصصین خلاص کند زیرا آنها هدفی به جز از استحکام مقاصد امپریالیزم چیزی دیگری ندارند. خموشی مطلق در اتاق حکمفرما شد. افغانها خیلی ناراحت شدند و یک تعداد از روس ها بطور آشکار دچار آشفتگی شدند. چهره داوود خشمگین و سیاه گشته بود. بریژنیف در سکوتی که داشت منتظر جواب از جانب رئیس جمهور داوود بود؛ داوود با "لحن خونسر دانه و غیر احساساتی بریژنیف را به همان شیوه جواب داد؛ جواب رئیس جمهور داوود برای روس ها همان اندازه خلاف توقع بود که کلمات بریژنیف برای ما بود." داوود گفت که افغانها اظهارات شما را مداخله فاحش در امور داخلی افغانستان می پندارند، و نمی توانند آنچه را که بریژنیف گفت بپذیرند، با وجودیکه افغانستان ارزش روابطش را با اتحاد شوروی عمیقاً ارج می گذارد ولی باید افزوده شود که این همکاری باید یک همکاری مبتنی بر برابری باشد. کلمات دقیق داوود به ترتیب ذیل است :

"ما هرگز به شما اجازه نمی دهیم تا برای ما نشان دهید که چطور امورات کشور خود را به پیش ببریم و چه کسی را در کجا به کار بگماریم. اینکه ما چگونه و در کجا متخصصین خارجی را استخدام می کنیم تنها و تنها حق دولت افغانستان است. اگر ضرورت افتد افغانستان می تواند فقیر بماند، ولی در عملکرد و تصامیم خویش همیشه آزاد است."

با گفتن این سخنان داوود بلا مقدمه به پا ایستاد؛ تمام هیئت افغانی مانند او به پا ایستادند. "داوود با اهمال به علامت خدا حافظی به روسها سر تکان داد و بعد به طرف درب خروجی اتاق بسیار بزرگ کنفرانس های کرملین به حرکت افتاد. بریژنیف که حالتش شوک خورده بود از چوکی خود بلند شد و با سختی که در قدم برداشتن داشت به عقب رئیس جمهور داوود قدم گذاشت، پودگورنی و کاسیگین هم به دنبالش به راه افتیدند. بریژنیف می خواست صدمه وارده را ترمیم کند "وحید عبدالله و من که در مجاورت خیلی قریب رئیس جمهور راه می رفتیم دیدیم که روس ها بطرف ما می آیند." وحید نجوا کنان در گوش داوود گفت که بخاطر نزاکت های پروتوکول دیپلماتیک بهتر است با روسها به طرز مناسب خدا حافظی کنیم، وحید این تقاضا را چندین بار تکرار کرد. داوود مکث کرد و به عقب برگشت. در حالیکه قهر از رخسارش زوده شده بود بطرف روسها رفت و در حالیکه بریژنیف دستش را دراز

کرده بود، به وی برسم خدا حافظی دست داد. بریژینف در حالیکه لبخند فراخ بر لب داشت گفت، " به من گفته شده است که جناب عالی شما مشتاق دیدار خصوصی با من هستید؛ من در خدمت شما هستم. هر زمانی که برای عالیجناب شما راحت باشد می توانیم با هم ملاقات نمائیم." داوود با لحن صاف و بلند که همه بشنوند گفت، "می خواهم به اطلاع جناب عالی شما برسانم که دیگر ضرورتی برای چنین ملاقاتی وجود ندارد." بعد داوود دستان پودگورنی و کاسیگین را برسم خداحافظی فشرد و با عجله از اتاق بیرون شد. گمان می رود که این تعاطی شدید نقطه آغاز برای پایان داوود بود. " روسها به زودی شرایط را مناسب دیدند تا داوود را براندازند و افغانستان را تحت کنترل مستقیم خود در آورند. به تاریخ ۲۷ اپریل آنها کودتای کمونیستی را براه انداختند و رژیم جمهوری به دست جاه طلبانه شوروی افتاد."¹*

از بین بردن اولین رئیس جمهور افغانستان و خانواده او:

دومین قتل سلطانی قرن بیست به تاریخ ۲۸ اپریل سال ۱۹۷۸م زمانی بوقوع پیوست که اولین رئیس جمهور "منتخب" خانواده سلطنتی با خانواده اش یکجا کشته شد. میتوان این نوع قتل را با عین شیوه قتل شهنشاهی خانواده رومانوف که خانواده سلطنتی او پنجم سال سلطنت رانده بود به نحوی مشابه دانست، رومانوف و خانواده اش متعاقب انقلاب بلشویکی روس ها در اکتوبر سال ۱۹۱۷م شب ۱۶/۱۷ ماه جولای سال ۱۹۱۸م به قتل رسید.

در هر دو قضیه قتل، این کمیته مرکزی حزب کمونیست بود که امر از بین بردن داوود و رومانوف را داده بودند! خانواده های هر دو بعد از کشته شدن در کدام جایی مخفیانه زیر خاک شدند. بقایای استخوانهای بدن رومانوف ۶۱ سال بعد در سال ۱۹۷۹م پیدا شد و این زمانی بود که شوروی بالای افغانستان تجاوز نموده بود و اجساد خانواده داوود سی و هشت سال بعد از کشته شدن شان به تاریخ ۲۸ جون سال ۲۰۰۸م یافت شدند. دساتیر این قتل ها بوسیله لینن و کارمل داده شده بود، سرانجام هر دو بوسیله سرطان های جانگذاز و مهلک شکنجه و کشته شدند!²

تقریباً یک سال بعد از پایان ناگهانی ملاقات داوود - بریژینف از ۱۲ اپریل تا ۱۳ اپریل سال ۱۹۷۷م، هفتصد تن از سربازان شوروی مخفیانه در میدان هوایی نسبتاً کوچک کابل به تاریخ ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۸م بخاطر یک عملیات عاجل نظامی نشست کردند، این نیرو های ضربتی بخشی از نیرو های کی جی بی KGB و جی. آر. یو. GRU) از گروپ الفا و زینت) بودند. این نیرو ها که در لباس نظامیان افغان آمده بودند به سرعت رئیس جمهور کمونیست حفیظ الله امین را در قصر ریاست جمهوری تپه تاج بیگ به قتل رساندند. در همانروز مارشال سیرگی سوکولوف به تاریخ ۲۷ دسامبر و صبح ۱۹۷۸م رهبری نیرو های زمینی را به دوش گرفت و از شمال افغانستان بر افغانستان تاخت، طیارات گارد یکصدوسوم فرقه نیرو های هوایی "ویتبسک" در میدان هوایی بگرام نشست کردند، این میدان برای طیارات غول پیکر ترانسپورتی و بمب افکن ها اعمار شده بود.³

در این جا بدون اینکه هیچ یکی از آن انگیزه های را حمایت کنم که عده زیادی از متخصصین دیگر بدان اشاراتی دارند و معتقد اند که برژینسکی و یکعده دیگر از سیاستمداران طرفدار جنگ در اداره کارتر گویا می خواستند افغانستان را منحصراً تله خرس بخاطر گرفتن انتقام ۵۶۰۰۰ آمریکایی جوانی که در جنگ ویتنام جان باختند استعمال نمایند، توجه تانرا می خواهم به یکعده نکاتی دیگری جلب نمایم که من شخصاً شاهد عینی نوع دیگری از درونمایه اصلی نشست برق آسا و خطرناک شوروی در میدان هوایی کوچک کابل بودم که منجر به سرآغاز اشغال افغانستان شد.

تاریخ ۱۸ اکتوبر سال ۱۹۷۸م بود، «جبهه نجات ملی افغانستان» حضرت صیغت الله مجددی، مولوی محمد نبی و من در جنوب وزیرستان به جرگه سده که ۳۱ مایل در جنوب پاره چنار موقعیت دارد دعوت شدیم. در آنجا من شاهد تدویر جرگه قومی بودم که رسم دیرین و سده های اقوام است، این جرگه در قلعه (مشر قوم خدران) عبدالله خان

¹ - Ghaus, Abdul Samad (former Deputy Former Foreign Minister of Afghanistan.) The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brassey's International Defense Publishers; Washington D.C., New York, London, Oxford, Beijing, Frankfurt, San Paulo, Sidney, Tokyo, Toronto. 1988.

بناغلی غوث که یکی از اعضای بلند رتبه وزارت امور خارجه افغانستان بود از کودتای مورد حمایت شوروی مورخ ۲۷ - ۲۸ اپریل * سال ۱۹۷۸م جان سلامت برد. موصوف منحصراً یگانه شاهد عینی زنده از مداخله صریح شوروی و سر آغاز تراژیدی خونین مردم افغانستان که تاکنون نیز ادامه دارد حرف های زیادی دارد.

² - Ewans, Martin. Afghanistan: A Short History of its People and Politics; Harper Collins: New York, 2002.

³ - Ditto. Ewans, Martin. Afghanistan: A Short History of its People and Politics. ...

خُدران که بر بلندی یک کوه موقعیت دارد دائر شد. بزرگان تقریباً بیست و چهار قوم بالای قالیان فیل پای افغان که در داخل اتاق کلان پهن بود قطار نشسته بودند. ما به عنوان مهمانان در اخیر اتاق در گوشه چپ آن در جوار بالشت های کلان ها نشستیم. این اتاق بر بام هموار یک برج خشت خام موقعیت داشت که دسترسی به آن تنها از بیرون بوسیله زینه دراز ساخته شده از شاخه های درخت که برای مقصد جرگه مخفی با ریسمان ها بسته شده بود ممکن بود. مهماندار ما عبدالله خان خُدران بعد از یک دعای کوتاه جلسه را گشایش داد و ما را بدون اینکه به کسی معرفی نماید خوش آمدید گفت. وی باجدیت ووضاحت قاطع گفت که مقصد این جرگه " سرنگونی رژیم کمونیست کابل است". عبدالله خان با موهای نقره بین - نسواری مانند، چشمان قهوه یی رنگ، قد شش فیت، با جلد کلفت و سنیرش به تدریج منحنی ناظم توانای جرگه به چشم خورد، وی نه بوسیله رأی گیری بل به اتفاق آرای عنعنوی، جلسه را مدیریت کرد. من هرگز چنین نوعی از تجمع خیلی مدنی و خیلی متواضعانه را قبلاً بشمول شورای منتخب پوهنتون ما در کولمبیا یونیورسیتی که اکثراً متشکل از پوهاندان است، نه دیده بودم که مانند جلسه پارلمانی دیموکراتیک ادامه یابد.

بعد از جلسه شش ساعته هر یک از بزرگان قومی بدون اینکه مزاحم صحبت یک دیگر شوند به نتیجه قاطعانه دست یافتند و در پای سندی یا امضاء کردند و یا نشان شصت کلان دست شان را گذاشتند و بدین گونه سهم قوم شانرا بخاطر جنگجویان قومی شان با اسلحه های شان که اکثراً تفنگ های ساخت وطن بود تصدیق کردند و تأیید کردند که به شب تعیین شده از سرایشی های کوه بابا بطرف پایتخت مارش می نمایند و به دروازه های پایتخت تا به هفته اخیر ماه دسمبر سال ۱۹۷۸م میرسند. از چند فرقه نظامی کابل که تحت کنترل حزب کمونیست «حزب دیموکراتیک خلق افغانستان» قرار داشت، به افراد آنها اطمینان داده شده بود که نصف از ۴۰۰۰۰ سربازان این فرقه ها با نیرو های جهادی یکجا خواهد شد و با داشتن حدود بیست هزار نفر بالای پایتخت در اخیر دسمبر سال ۱۹۷۸م هجوم می برند. شرکت کننده گان این جرگه مخفی باور دارند که کی جی بی به نحوی از این پلان در دمامد آخری نیمه دوم ماه دسمبر آگاهی یافته بود و بدین گونه لشکر چهل شوری ریسک حرکت عاجل را به گردن گرفت و بطرف شمال کشور در حرکت شد و به تاریخ ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹م ساعت ۰۰: ۱۹ یا هفت شام تاریک طیارات گول پیکر ترانسپورتی شان در میدان هوایی کابل نشست کردند تا افغانستان را اشغال و رهبری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را تعویض نمایند. این آغاز و سقوط همان بازیهای نقاب پوشانه دامینو بود که منجر به آمدن ایالات متحده امریکا، سازمان ملل متحد، ناتو و مجموعاً ۴۵ کشور جهان گردید تا عهده تعویض رژیم طالبان را در افغانستان به گردن گیرند و تروریستان بین المللی القاعده را که تحت رهبری بن لادن و داکتر ایمن ظواهری قرار داشت شکست دهند.⁴

حماسه آفرینی موفقانه جنگ گوریلابی برضد لشکر شکست ناپذیر سرخ:

اولین جرعه های جنگ بی امان گوریلابی بوسیله گروپ های فراوانی متشکل از ۵- ۲۰ نفری از نورستان تا ننگرهار تا شمال شرق کشور آغاز شد. دامنه این شورش در اخیر سال ۱۹۷۸م به تمام اکناف کشور گسترش یافت. در سال ۱۹۸۲م «دن رتهر» از «سی بی اس» با مقایسه کردن شورویها با هیتلر، شوری ها را متهم به جنوساید نمود. در ماه می سال ۱۹۸۰م «دن رتهر» و من «مؤلف» در انستیتوت علوم سیاسی هارورد کیندی در برابر جمع غفیری از شاگردان حاضر شدیم تا در باره تهاجم شوری بالای افغانستان بحث نمائیم. قبل بر این در چندین پوهنتون دیگر در این باب به چندین کنفرانس لکچر داده بودم ولی تا این زمان هرگز چنین علاقمندی را میان شاگردان نه دیده بودم که آنها در برابر این موضوع از خود نشان دادند.

بعد از ختم کنفرانس شاگردان بالای «دن رتهر» ریختند و به دور او جمع شدند، تا اندازه ای که «دن» خود را عقب می کشید و در حالیکه بطرف من اشاره میکرد به آنها گفت تا سوالات شانرا به من منحیث متخصص راجع سازند. ولی شاگردان بیشتر علاقمند «دن رتهر» بودند، زیرا اوشان جانشین مجری سی بی ایس «والتر کروناکایت» شده بودند که برنامه اش مشهور به مرد شش میلیون دالری بود و شاگردان نسبت به موضوع اشغال افغانستان به این موضوع بیشتر علاقمند بودند. افغانان مقیم خارج که در ایالات متحده امریکا، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کشور های حومه خلیج، تورکیه و مصر لابی میکردند متدرجاً در سرزمین ها اسلامی پراکنده شدند.

در طول سالهای ۱۹۸۳ - ۸۵ یک تعداد از جنگجویان داوطلب خارجی از شمال افریقا و سائر ممالک عربی با «جنگجویان آزادیبخش» یعنی مجاهدین افغان یکجا شدند که نام مصطلح "افغانهای عربی الجزایری" را کمایی نمودند. آندری گرومیکوف در سال ۱۹۸۵م در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن صحبت خود در برابر این مجمع از

4 - Zikria, B.A. My Memoirs Regarding Soviet-Afghan War. Unpublished.

ناخوشنودی اتحاد شوروی در برابر جنگجویان گوریلابی در افغانستان یاد آوری کرده و به کاهش مُحمّله دخالت شان در افغانستان اشاره کرد. بعد از اینکه میخائیل گرباچف زمام امور کرملین را به دست گرفت به تاریخ ۲۶ جولای سال ۱۹۸۶م خطابه مشهور شانرا در «ولادی وستوک» ایراد کردند و " جنگ افغانستان" را منحصیث یک "زخم خونچکان" توصیف کرد و خروج تدریجی لشکر سرخ از افغانستان را اعلان نمود.

در سال ۱۹۸۵م من در مرز های شرقی افغانستان یک سروری مشاهداتی را انجام دادم، طی این سروری هیچ نمونه و اسنادی را که دلالت بر اثبات موجودیت توپ های کوهی سویسی بکند نه یافتم چیزی را که برژیسنیکی قبلاً ذکر نموده بود و موجودیت آنرا در بهار سال ۱۹۸۵م در کنفرانس وزارت امور خارجه در برابر متخصصین افغان و امریکایی پذیرفته بود؛ و نه هم کدام نمونه از مزائیل های زمین به هوا را در آنوقت در بین مجاهدین دیدم که مجاهدین آنرا داشته باشند⁵. نکته جالب اینجاست که ایالات متحده امریکا، دو ماه قبل از صحبت مشهور گرباچف در ولادی وستوک، به مجاهدین افغان راکت های رهبری شده ماتحت اشعه سرخ - زمین به هوای - ستینگر را در سپتمبر سال ۱۹۸۶م داده بودند. ستینگر با قدرت از بین بردن هدف - به نسبت هفتاد فیصدی - خود توانست ۳۵۰ فروند طیارات و هلیکوپتر های شوروی و حکومت افغان را سقوط دهد⁶.

تلفات جانی جنگ افغان - شوروی	
تلفات جانب شوروی	تلفات جانب افغان
۱۴۴۵۳ تن از پرسونل نظامی ⁷	از یک اعشاریه پنج تا دومیلیون تلفات افراد ملکی
۵۷۷۵۳ تن زخمی	۵ - ۶ میلیون مهاجر
۴۱۵۹۳۲ تن مریض	یک بر سوم نفوس کشور بی جا و بی خانمان شدند
۱۱۶۵۴ تن از پرسونل نظامی زخمی با معیوبیت	دو میلیون در داخل کشور مهاجر شدند
۳۲۲ تن از سربازان در جنگ مفقود الاثر شدند	در دهه ۱۹۸۰م نصف شمار مهاجرین جهان را تشکیل دادند
۱۱۹ تن رها و ۹۹ تن شان به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برگشتند	یک اعشاریه دو میلیون معیوب
۶۲۰۰۰۰ سرباز به دور های نوبتی وارد میدان جنگ شدند	۳ میلیون ناقص العضو و زخمی شدند ⁸
۱۱۵۰۰۰ تن بلندترین رقم سربازان لشکر سرخ	تلفات مادی جانب افغان
تلفات مادی جانب اتحاد شوروی	تلفات مادی جانب افغان
۴۵۱ فروند طیاره بشمول ۳۳۳ هلیکوپتر	۱۰ - ۱۵ میلیون ماین زمینی اتحاد شوروی
۱۴۷ تانک	۲۵۰۰۰ افغان توسط ماین کشته شدند
۱۳۱۴ ماشین محاربوی	یک هزار سال نیاز است تا ماین ها پاک شوند (۱۹۹۴م)
۴۳۳ توپ و هاوان	۷۰ فیصد قراء و قصابات کشور بمباردمان شدند
۱۱۳۶۹ عراده تانکر های کارگو و تیل	۸۰ فیصد از زیر بنا ها از بین رفتند
	رتبه بندی ملل متحد در اندکس انکشافی/۱۹۹۰ = ۱۷۴ / ۱۷۰

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هرگز مقدار مصارف پولی جنگ را برملا نه ساخت! تجاوز بالای افغانستان در سال ۱۹۷۹م توسط کانگرس شوروی محکوم و نکوهش شد. این محکومیت در سال ۲۰۱۸م بوسیله احزاب روسیه متحد باطل اعلان شد. درگیری مستقیم ایالات متحده امریکا در جنگ در افغانستان ۲۰۰۱/۹/۱۱

⁵ - Ditto. Zikria, B.A. Memoirs.

⁶ - Ditto. Ewans, Martin. Afghanistan:

⁷ - Klass, Roseanne. The Widening Circle of Genocide: Transaction Publishers. I SBN 978-1-4128-3965-5. 1994.

⁸ - Goodson, Larry P. Afghanistan's Endless War: State Failure, Regional Politics, and the Rise of Taliban: University of Washington Press. Seattle, London. ISBN 978-0-2965-98050-8. 2001.

همانطوریکه در فوق ذکر شد، جنبش طالبان از یک قریه در شمالغرب کندهار توسط ملا عمر آغاز شد ولی توسط جنرال های آی ایس آی پاکستانی اجحاف و ربوده شد. جنرال اختر عبدالرحمن و جنرال حمید گل هر دو از سال های ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹م دایرکتر جنرالان آی ایس آی بودند، همچنان این ها چندین جنگ سالار جهاد افغانی را با حيله و نیرنگ به همکاری استخباراتی وداشتند. عربستان سعودی و نشنلیست ها مذهبی حوزه خلیج همه پول فراهم کردند و اکثریت اعظم اسلحه را ایالات متحده آمریکا تهیه کرد. القاعده اسامه بن لادن ویک تعداد دیگر از گروپ های تروریستی هم طی سالهای ۱۹۸۵ - ۸۶ جنبش طالبان افغان را با تشویق ملا های طالبانی با پول و تب و تاب ملی گرایانه عرب مورد اجحاف و سرقت قرار دادند.⁹

به تاریخ ۲۶ فبروری سال ۱۹۹۳م شش تن تروریست عرب تبار تربیت دیده القاعده یک لاری مملو از بمب را در زیر زمینی برج شمالی مرکز تجارت جهانی در نیویارک به این هدف که این هر دو برج را به زمین فرو ریزند با ناموفقیت منفجر ساختند. به تاریخ ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱م نزده تن از تروریستان عرب تبار القاعده هر دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویارک و غیره را با گروگان گیری چهار فروند طیارات مسافربری امریکایی بزمین درآوردند و ۲۹۹۶ تن بی گناه را کشتند. یک عضو استخبارات عربستان سعودی که در آن زمان بشمول امارات متحده عربی تنها ترین کشور های بودند که طالبان را به رسمیت شناخته شده بود، نزد "جنبش طالبان" مراجعه کرد و از آنها خواست تا القاعده و رهبر شان بن لادن را به یکی از کشور های مورد انتخاب شان از طریق هوایی با طیارات انتقال دهند، چنین پیشنهاد را ملا عمر با قاطعیت رد نمود. ایالات متحده آمریکا در توافق با نظریات جهان به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱، علمیات بمباردمان - فرش باران - را از ارتفاع بلند توسط طیارات (ب - ۵۲) آغاز کرد. یک تعداد دیگر از پیام رسانان مانند سائر فعالیت های سابق تلاش فراوان کردند تا ملا عمر را تشویق نمایند ولی موصوف قابل دسترس نبود.¹⁰

تابستان سال ۱۹۹۶م سناتور براون از حزب جمهوریخواه یک هیأت سه نفری طالبان را بخاطر شرکت در یک جلسه استماعیه مجلس سنا دعوت نمود، همچنان از نمایندگان ائتلاف شمال و سائیرین مانند عبدالحق، حشمت مجددی، شهزاده محمود غازی من و چند تن از افغانستان شناسان دیگر و دیپلمات ها نیز دعوت بعمل آمده بود. بعد از چندین تماس تلفونی مکرر و مُصیر با وزیر خارجه طالبان ملا غوث و معین آن وزارت ستانکزی که سخنگوی شان بود (کسیکه تحصیلات دو ساله نظامی را در دهلی هندوستان بین سال های ۱۹۷۶ - ۱۹۷۸م فرا گرفته)، قادر شدم تا هیأت طالبان را تشویق نمایم که در کنفرانس صلح شرکت ورزند. انتظار کشیدیم، جوابی نیامد سرانجام یکروز به آغاز کنفرانس مانده بود که تیلگرام ملا عمر به آنها مواصلت کرد، ملا عمر با قاطعیت نشست هیأت طالبان را با مخالفین شان در کنفرانس استماعیه مجلس سنا رد کرده بود، زیرا مبادا نه شود که نشست هیأت طالبان با مخالفین شان منجر به مشروعیت دادن به مخالفین آنها در انظار دولت ایالات متحده آمریکا و در کل در دنیا نه گردد! در خلال مدتی که جلسه مجلس سنا جریان داشت، پیام تحریری هیأت طلبان از طریق یکی از عمو زاده های حامد کرزی در برابر مجلس سنا زمزمه کنان و بصورت مخفی به من آورده شد، وی که در این جریان در یک جمعیت بزرگی از افغانان خارج از وطن در اتاق استماعیه تجمع نموده بودند موجود بود، نزد آمد و از من خواست تا این اظهاریه هیأت طالبان را به مجلس سنا برسانم. من این پیشنهاد را رد کردم و برایش گفتم که من نماینده طالبان نیستم و مرا سناتور براون منحیث یک افغان بی طرف اینجا دعوت نموده اند تا نظرم را در باره پیشنهاد صلح ارائه کنم!

بعد از گذشت چند ماه، رئیس "سازمان" (مورال ری - آرممنت¹¹) و من سخت تلاش کردیم و از طالبان خواستیم تا در «کاکس مونتین هاوس¹²» که یکی از دفاتر مرکزی (مورال ری - آرممنت) در سویتزرلند است در مذاکرات صلح شرکت نمایند، «سازمان» مذکور که یک اداره غیر دولتی است این پیشنهاد را با مهربانی پذیرفت که تمام مصارف طالبان را بخاطر شرکت شان در مذاکرات صلح در «کاکس» سویتزرلند بپردازد. ولی یکبار دیگر بعد از هفته ها مذاکرات، در آخرین لحظات، تیلگرام ملا عمر مواصلت ورزید و باز هم با قاطعیت، شرکت در یک کنفرانس دیگر صلح را رد نمود. ولی با این وجود هم، بعد از چندین بار تماسهای تلفونی من با دو تن از بلند رتبه ترین مقامات طالبان آقای ستانکزی و نماینده طالبان در کابل آقای متقی که سخنگویان طالبان بودند هر دو برایم اطمینان دادند که آنها موافق اند تا با دیگران در یک کنفرانس صلح در سویتزرلند شرکت کنند. من این مواقع را به این خاطر به توجه شما رساندم که دانستن سایکولوژی ملا های طالبان دهاتی افغانستان چقدر مهم است، علی الرغم اینکه

⁹ - Bennet, Andrew. A Bitter Harvest: Soviet Intervention in Afghanistan and its effects on Afghan political movement. 1999. (Retrieved Feb. 4, 2007)

¹⁰ - Zikria, B.A. Ditto

¹¹ - Moral Rearmament (MRA)

¹² - Caux Mountain House

ستانکزی یک مرد تحصیلکرده و شخص مُقنِع نظامی بود، ولی وی هم نه توانست ذهن ملاها را تغییر دهد. هیچ شکی وجود ندارد که نشتلیزیم مذهبی در اروپا، شرق میانه بشمول ایران، افغانستان همچنان در پاکستان، هندوستان و جنوب شرق آسیا در حالت پدیدار شدن است. «تب و تاب و شور و اشتیاق این نشتلیستان مذهبی امروز خطرناکترین عنصر در برابر صلح محلی، منطوقی و صلح جهانی است!»¹³.

ما در باره حوادث مهمی که مؤجد دخالت امریکا در جنگ افغانستان شدند صحبت کردیم. معهذاً، ذکر این نکته را شایان ذکر می دانم که ایالات متحده امریکا در همان آغاز خیلی و بهترین کوشش های خود را انجام تا اقوام پشتون و تاجیک و سائر اقلیت های قومی را با هم متحد سازد تا بر علیه طالبان قیام نمایند ولی این سعی بجای نرسید!

سازمان ملل متحد بدون اینکه به طالبان دعوتی داده باشد، دسته های عمده قومی افغانستان که عمدتاً ائتلاف شمال در آن خیلی چشمگیر بود و هم یک گروهی تحت زعامت پادشاه اسبق، کمیته شانزده را (به استثنای اینجانب مؤلف که از زمان ایجاد آن یعنی سال ۱۹۹۸ م عضو این کمیته از جانب پادشاه سابق محمد ظاهر شاه بودم) به یک کنفرانس در شهر بُن جرمنی دعوت نمود. این دسته ها به تاریخ ۵ دسمبر سال ۲۰۰۱ توافقانه بن را که بوسیله قطعهنامه شماره ۱۳۸۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شده بود به امضاء رسانیدند. گزارش شده است که این توافقنامه که با کمک فراوان دیپلماتیکی ایران بخاطر حمایت شان از جناح ائتلاف شمال به موافقت رسید، حامد کرزی را منحصراً رئیس اداره مؤقت در کابل نصب کرد و نیروی حافظ صلح بین المللی را ایجاد کرد تا امنیت کابل را حفظ کند. متعاقب توافقنامه بُن، شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوبه شماره ۱۳۸۶ را به تاریخ ۲۰ دسمبر همان سال صادر کرد که نیروی بین المللی کمک به امنیت یا آپساف را اساس گذاری کرد.¹⁴

عده زیادی، بدون داشتن آگاهی، ایالات متحده امریکا را مورد انتقاد قرار می دهند که با نداشتن معلومات، شناخت و یا تجربه وارد جنگ داخلی افغانستان شده است. این انتقادات از واقعیت خیلی دور اند. ایالات متحده امریکا تجربه مؤفقی در تبدیلی ملت هایی دارد که از لحاظ عنعنوی جنگجو بوده اند مانند جرمنی و جاپان، که آنها را از دیکتاتوری مطلقه به دیموکراسی های نیکنام جهان مبدل ساختند. کتاب "رهنمود اولیه برای ملت سازی" از بخش تحقیقات امنیت ملی (راد) که بوسیله جمیز دابین، سبت گ. جونز، کیث کرین و پت کول دیگر نویسندگان نوشته شده در مقدمه آن می گوید، "شاید یک ناظر سطحی نگر به این نتیجه برسد که گویا ایالات متحده امریکا در قسمت ملت سازی تجربه ندارد." ولی آنها به دوام آن می افزایند که عراق تنها اولین کشوری نه بود که بوسیله ایالات متحده امریکا آزاد و باز سازی شد، بلکه در جریان یک دهه با هفت کشور جهان چنین کرد؛ ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۱ م کویت را آزاد ساخت، سربازان امریکایی در سال ۱۹۹۲ به سومالیه، در سال ۱۹۹۴ م به هایتی، در سال ۱۹۹۵ م به بوسنیا، در سال ۱۹۹۹ م به کوسوو و در سال ۲۰۰۱ م به افغانستان رفتند. در بین هفت تای این کشور ها شش تای آن، کشور های مسلمان بودند. آنها مُح قانه نشان می دهند که زمانیکه امریکایی وارد عراق شدند، هیچ کشوری در جهان در ملت سازی "تجربه خیلی زیاد مدرن" نداشت و هیچ یکی از کشور های غربی "به این اندازه تجربه تازه ندارد که با این پهنه در این اواخر در داخل کشور های مسلمان پیاده شده باشد." نظریات آنها در همین فصل با تفصیل بیشتر ارائه خواهد شد.¹⁵

ادامه دارد

پیامد های منفی جنگ افغانستان برای ایالات متحده امریکا

¹³ - Rashid, Ahmed. Taliban. I. B. Tauris and Co., Ltd.; also, by Yale University Press. 2000, 2001.

¹⁴ - USA War in Afghanistan/Council for Foreign Relations/ Peter Bergen

¹⁵ - Dobbins, J. Jones, S.G. Crane, K. DeGrasse, B.C. The Beginners Guide to NATION BUILDING: Published by Rand Corporation. VA, CA, PA. 2007.